

## بررسی و تحلیل تئوری حق به شهر و نقش آن در تحقق حکمروائی خوب شهری در کلان شهر تبریز

محمد مقدم<sup>۱</sup>، محمدرضا پورمحمدی<sup>۲\*</sup>، شهرپور روستایی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. استاد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

\* نویسنده مسئول، Email: pourmohamadi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۶ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۵ مهر ۱۴۰۱

### چکیده

**مقدمه:** حق به شهر یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به همه‌ی شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. حق به شهر تضمین مساوی بودن فرصت‌ها و توزیع مناسب خدمات و امکانات است که می‌تواند ارتباط دوسویه مؤثری با حکمروایی خوب شهری ایفا نماید.

**هدف:** هدف تحقیق حاضر بررسی و تحلیل تئوری حق به شهر و نقش آن در تحقق حکمروائی خوب شهری در کلان شهر تبریز می‌باشد. **روش‌شناسی:** تحقیق حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. جامعه آماری را شهروندان ساکن در کلان شهر تبریز تشکیل می‌دهند که طبق سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۵۵۸۶۹۳ نفر جمعیت و ۴۹۷۸۹۸ خانوار بوده که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۳۷ نفر از شهروندان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در انتخاب شهروندان، افراد بالای ۲۰ سال مورد پرسشگری قرار گرفتند و برای نمونه‌برداری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر نیز از روش خوشه‌ای استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی‌تک نمونه‌ای، میانگین، کروسکال‌والیس، رگرسیون وزنی جغرافیایی و تحلیل مسیر استفاده گردید.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمرو جغرافیایی تحقیق کلانشهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران است. **یافته‌ها و بحث:** یافته‌ها نشان داد، در بین شاخص‌های حق به شهر شاخص متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران در وضعیت مطلوبی قرار داشته و سایر شاخص‌ها در وضعیت قابل قبولی قرار ندارند. از نظر فضایی منطقه ۹ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۵/۰۵ و منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۰/۱۰ در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند. از نظر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری نیز شاخص‌های مشارکت، قانونمندی و پاسخگویی در وضعیت متوسط به بالایی بوده و منطقه ۸ و ۷ از این نظر وضعیت مطلوبی دارند.

**نتیجه‌گیری:** شاخص‌های تئوری حق به شهر در سطح کلانشهر تبریز اثرات متنوعی در تحقق حکمروایی خوب شهری از دیدگاه شهروندان دارد. چنانچه، شاخص‌های پذیرش تفاوت و تضادهای شهری با مقدار ۰/۲۴۲ و آزادی فعالیت در فضای شهری با مقدار ۰/۱۴۵ بیشترین تأثیرگذاری در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان شهر تبریز داشته‌اند. لذا، می‌توان گفت در فرایند حکمروایی خوب شهری در متروپلیس-های ایران توجه به تئوری حق به شهر و حقوق شهروندی از ضروریات توسعه‌ی پایدار شهری است.

**کلیدواژه‌ها:** حق به شهر، حکمروایی خوب شهری، کلان شهر تبریز.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، رشد و گسترش روزافزون شهرها از یک‌سو و اهمیت مطالعه در زمینه زندگی شهری و شیوه‌های دستیابی به حقوق شهروندی از سوی دیگر سبب شده است تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحثی در مورد مفهوم حق‌به‌شهر مطرح گردد، مفهومی که برای اولین بار توسط هنری لوفور بیان گردید (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱). نوشته‌های لوفور در رابطه با حق‌به‌شهر ساختارهای اجتماعی و سیاسی شهری قرن بیستم را با ارائه گونه‌ای جدید از شهروندی در سطح شهر و متفاوت از شهروندی رسمی متأثر دولت ملت به چالش می‌کشد تا ناهمگونی‌ها، فضاهایی مشترک و اخلاقیات اجتماعی را با خود مطرح نماید. این شهروندی از طریق مشارکت عمومی و روش‌های دمکراتیک قابل حصول است (شریفی همکاران، ۱۳۹۹: ۵۶ به نقل از Harvey, 2008: 32).

در حال حاضر، در اغلب شهرهای جهان، مفهوم حق‌به‌شهر، به‌مثابه کنشی برای گسترش حقوق زیست ساکنان شهری و دستیابی به حقوق شهروندی، درک شده و از ضرورت‌های زیستی-حقوقی شهر تلقی می‌گردد. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که آرمان‌های حقوق بشر، چه از نظر سیاسی و چه اخلاقی، نقش عمده یافته‌اند و نیروی بسیاری صرف ترویج اهمیت آن برای ایجاد جهانی بهتر شده است (Sabine, 2017:29). در این راستا حق‌به‌شهر مفاهیم و معانی اجرایی گسترده‌ای را شامل می‌شود از جمله حق به فضای سیاسی، حق به فضای عمومی، حق به فضای مسکونی، حق به خودمختاری شهری و حق به ایستادگی در برابر دولت سلطه‌خواه و خشونت دستگاه انتظامی است. این مفهوم ممکن است با معانی و تفاسیر مختلف همراه گردد. اساساً حق‌به‌شهر فریادی است برای عدالت اجتماعی، جستجویی قدرتمند برای حقوق مختلف گروه‌های اجتماعی در شهر است و یک آنتی‌تز گسترده از اجرای گسترده دستورالعمل نئولیبرالیسم می‌باشد. مهم‌تر از همه، فارغ از آگاهی و الهام‌بخشی به تلاش‌های روزانه برای حقوق شهری خاص، حق‌به‌شهر می‌تواند به یک مفهوم قدرتمند و فراگیر برای در برگرفتن آزادی مردم تبدیل شود تا شهرهایمان و درنهایت خودمان را مورد ساخت و باز ساخت قرار دهد (Tavolari, 2020: 396).

در حال حاضر حق‌به‌شهر از مسیر ابتدایی و تئوریک خود به سمت یک کاربست اجرایی و ابزاری برای تأمین حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نژادی در حرکت است (Morange, 2015: 33). حق‌به‌شهر که روزگاری در بافت انقلابی‌گری فرانسه و در تقابل با نظام سرمایه‌داری مطرح گردید این روزها به‌عنوان رویکردی از سوی دستگاه قدرت و سرمایه‌داری به کار گرفته می‌شود (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۳۶). به سخن روشن‌تر حق‌به‌شهر به‌عنوان یک رویکرد حکمروایی مردم بر فضا و عاملیت ساکنان مستقر در شهر در تولید و بازتولید فضای حال و آینده شهرها با تغییراتی بنیادین به‌عنوان ایده‌آلی قابل ارائه از سوی دولت‌های پیشرفته قرار گرفته است. اگرچه حق‌به‌شهر در کشورهای درحال توسعه با کشورهای توسعه‌دارای تفاوت‌های ماهوی هستند، با این وجود از نظر چشم‌اندازهای مدنظر برای نیل به آن در تشابه هستند. برای نمونه همه شهرهای جهان در پی ترویج حقوق شهری، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی و ... برای ساکنان خود هستند و تفاوتی که بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه می‌توان عنوان نمود، این است که در کشورهای درحال توسعه حق‌به‌شهر به‌صورت مطالبه‌ای از سطوح پایین مطرح است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۶).

امروزه جامعه نوین شهری با ویژگی‌هایی چون ناهمگونی جمعیتی، تحرک اجتماعی بالا، تفکیک و قشربندی اجتماعی گسترده و سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی جدید به همراه مطالبات گوناگون و پراکنده سیاسی-اجتماعی و مدنی شهروندان و ... زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط جدید میان آنان و حکومت‌های محلی می‌باشد. به‌طوری‌که الگوی نظام حکمروایی شهری در تلاش است تا از طریق صورت‌بندی بهترین شیوه‌های مدیریتی شهری بتواند تعادلی مهم میان نیازها در تمام سطوح اجتماعی، اقتصادی و محیطی نسل حاضر و آتی برقرار کند (Kumar, 2016: 23). نظریه حکمروایی با این فرض آغاز می‌شود که در جوامع لیبرال، بسیاری از تصمیمات اثرگذار بر زندگی انسان‌ها، بیرون از حکومت و توسط شرکت‌ها در درون سیستم بازار سرمایه‌داری صورت می‌گیرد. درحالی‌که در نظریه حکمروایی شهرها، قدرت حکومت‌های محلی را در محدوده گسترده اقتصاد سیاسی قرار داده و بر این نکته تأکید دارد که حکمروایی

به‌عنوان نوعی فرآیند ضامن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در برمی‌گیرد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳ به نقل از نایجل، ۱۳۹۳).

در این راستا، تجزیه و تحلیل نظام‌های حکمروایی شهری نشان از عدم در نظر گرفتن این حق از بشریت در شهرهای معاصر امروزی است. حق به شهر در معنای عام خود عبارت است از ارائه خدمات اولیه مانند مسکن و سرپناه، آب آشامیدنی، بهداشت و هزاران امکانات اولیه شهری دیگر برای ساکنان است تا شهر و فضاهای شهری آن را به فضاهای دوستدار شهروندان تبدیل کند. در مطالعات شهری، بررسی نظام حکومتی در بسیاری از شهرها اهمیت کمی دارد و صرفاً به گفت‌وگوهایی محدود بسنده شده است. لذا تأمین حق به شهر شهروندان و حقوق شهروندی مستلزم مطالعات نظام مدیریتی و حکمروایی حاکم بر شهرهای امروزی و کاملاً مرتبط با مسائل و موضوعات رسمی نظام مدیریتی و حکومتی شهری است (تقوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳ به نقل از Kumar, 2016: 24). لذا، می‌توان مقوله حق به شهر و رعایت حقوق شهروندان راهکاری مناسب برای رسیدن به حکمروایی خوب شهری است. چنانچه، ایده‌ی حق به شهر ابزار مفهومی مناسبی را برای نقد وضع موجود شهرها فراهم می‌آورد. موضوع حق به شهر هم موضوع شهر موجود است، شهری که هست و هم موضوع شهر مطلوب، شهری که باید باشد. این تحقیق با توجه به مبانی تحریر شده در سطور فوق، با توجه به توفیر ناکافی انواع برنامه‌ها و طرح‌ها در زمینه بهبود شهرهای ایران، درصدد ارزیابی فاصله شهرهای ایران (با تأکید بر بازندگان شهری) با معیارها و مؤلفه‌های بیان شده در نظریه‌ی حق به شهر هانری لوفور و ارائه راهکارهایی هرچند کوچک، برای نیل به رسیدن به شهری که متعلق به تمام ساکنین آن باشد نه در تسلط عده‌ای قلیل به نام سرمایه‌داران و سیاسیون صاحب قدرت و رسیدن به مدیریتی پایدار و حکمروایی خوب شهری. در این راستا پژوهش حاضر در پی بررسی و تحلیل نقش حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز به‌عنوان یکی از متروپلیس‌های ایران می‌باشد و در تلاش است به این سؤال پاسخ دهد؛ مقوله حق به شهر چه نقش و تأثیری در تحقق حکمروایی خوب شهری دارد.

تحولات انجام گرفته در عرصه‌های مختلف، زمینه‌ساز شکل‌دهی به مباحث جدید در عرصه مطالعه در حوزه شهرها به‌عنوان پدیده‌های فضایی جغرافیایی است. این تحولات ناشی از بی‌عدالتی، تبعیض جنسیتی، فقر و توزیع درآمد در روابط قدرت موجود در مناسبات شهری است که در حوزه مطالعات شهری، اجتماعی و حقوقی می‌توان به آن پرداخت (هاروی،<sup>۱</sup> ۱۳۹۵). بر این مبنا، می‌توان گفت وجود تبعیض و دسترسی نداشتن به امکانات حق چگونه زیستن را در میان انسان‌ها به خطر می‌اندازد و باید پاره‌ای از امور فراهم باشد تا انسان‌ها بتوانند به یک زندگی مطلوب دست یابند. این حق در شهر را جمعی از متخصصان این حوزه حق به شهر نامیده‌اند که در آن شهروندان حق آزادی، حق مشارکت، حق دسترسی به امکانات شهری و ... را باید دارا باشند و برای رسیدن به آن می‌توانند فریاد یا درخواست کنند (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۳۵).

حق یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم در قلمرو حقوق و اخلاق زیستی است. از این‌رو، حقوق زیستی و اخلاق زیستی از جمله موضوعات نوپدید است که مفهوم و نهاد حق در آن جایگاه رفیعی دارد (سرور، ۱۳۹۶: ۲۷)؛ اما برای آن که بتوان یک گام به جلو پیش رفت و مفاهیم مرتبط با حق به شهر را در فضاهای شهری به تصویر کشید باید مفهوم آن را در گام اول شناخت، زیرا در تحقق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است و سپس بر اساس آن بتوان مباحث را آن‌طور که شایسته است تبیین نمود (قربانی، ۱۳۹۶: ۵۰). عبارت حق به شهر برای اولین بار توسط جامعه‌شناس فرانسوی، هانری لوفور در سال ۱۹۶۸ و در قالب کتاب او "حق به شهر" به کار گرفته شد. لوفور یک سوسیالیست برجسته و استاد جامعه‌شناسی شهری در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه نانتر بود. او در بیان ایده اولیه حق به شهر، تأثیر منفی کاپیتالیسم را بر شهرها توصیف می‌کند که شهرها را به مکانی برای مزیت انباشت سرمایه، مکانی برای خصوصی‌سازی فضای شهری، استفاده تجاری از شهر و غله فضاهای صنعتی تجاری تبدیل کرده‌اند (موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱).

<sup>1</sup> Harvey

در این راستا دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با تعریف ماهیت حق‌به‌شهر وجود دارد. برخی به‌صورت انقلابی به حق‌به‌شهر می‌نگرند که حق‌به‌شهر تنها از طریق یک انقلاب شهری از اعتراضات خیابانی ممکن می‌گردد (Moravansky et al, 2014: 50). برخی دیگر نیز حق‌به‌شهر را ساختاری اصلاح‌گرایانه برای گذار به انسانی شده فضاهای شهری و ظهور نقش ساکنان شهری در فضاهای مختلف شهری می‌دانند (Purcell, 2014:142). حق‌به‌شهر یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به‌جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف‌نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱ به نقل از Rahbari and et al, 2014: 118). حق‌به‌شهر متمرکز بر باز پس‌دادن معنا و اهمیت شهر به ساکنان آن، برقرار ساختن زندگی باکیفیت برای همه و ساختن شهر به‌مثابه "نقطه‌ی تجمعی برای زندگی جمعی" است. با این‌وجود تا به امروز حق‌به‌شهر توانسته است مسیر ترقی قابل‌اعتنایی را سپری نماید و به مرحله رسمیت بخشی و تأثیرگذاری در بسیاری از دستور کارها و قوانین و مقررات شهری برسد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۵).

در حال حاضر یکی از رویکردهای مؤثر به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری تحقق حکمروایی خوب می‌باشد. تحقق حکمروایی خوب شهری در مدیریت کلان‌شهرهای ایران مستلزم عینیت بخشیدن به مشارکت شهروندان در ابعاد گوناگون است (موحد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۷). یکی از مهم‌ترین اصول حق‌به‌شهر، حکمروایی و حاکمیت شهری در فضاهای شهری است. حقی که برای تمامی ساکنین شهر بارز و آشکار است. ولی با تغییر دیدگاه نظام مدیریتی به حکمروایی شهری، ما شاهد تغییر نقش نهادهای عمومی هستیم از کسانی که شهر را تولید می‌کنند به کسانی که ویژگی‌های مختلف شهر را به‌عنوان یک کالا تنظیم می‌کنند و ترویج می‌دهند (تقوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵). میان فلسفه بازاریابی شهر و روش‌های مدیریت شهری و توسعه محلی پیوند قوی وجود دارد. بازاریابی شهر و فضای شهر می‌تواند در قالب سیاست توسعه ملی سطح جدیدی از کیفیت را در موارد رقابت‌پذیری، خلاقیت و انعطاف‌پذیری ایجاد کرد. در این نظام می‌توان رویکرد راهبردی برای همکاری برنامه‌ریزان شهری و طراحان با بخش خصوصی را گسترش داد. از این‌رو باید میان مدیریت فضاهای شهر و بازاریابی برای ارائه تصور موردنظر از فضای شهری به شهروندان و سرمایه‌گذاران رابطه جدیدی را تعریف کرد که وجود شاخص‌های اصلی در نظام حکمروایی از جمله مشارکت شهروندان، اثربخشی، پذیرا بودن، شفافیت، قانونمندی و ... به تسهیل این موضوع می‌انجامد (نوبری، ۱۳۸۹: ۵۶). تا بتوانند با حداکثر رضایت، خدمات را به مردم عرضه کنند و به خلق توافقی میان منافع مختلف به‌وسیله ارتباط و تلاش مشترک بین سازمان‌های دولتی، مردم و سازمان‌های غیردولتی ختم شود. آنچه در نظام حکمروایی شهری لازم است تا به‌نوعی حق شهروندی و حق‌به‌شهر را برای تمامی ساکنان تأمین کند این است که این نظام به فعالیت‌ها و کنترل روابط میان آن‌ها در فضاهای شهری نظارت و توجه ویژه داشته باشد و بتواند سازگاری مناسب بین جنبه‌های فضایی- کالبدی و اجتماعی- فرهنگی را تولید کند (سروری، ۱۳۹۰: ۲۰). در این راستا پژوهش‌های متعددی در زمینه حق‌به‌شهر پرداخته‌شده است ولی تاکنون تعداد اندکی از آن‌ها به مقوله تحلیل نقش حق‌به‌شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری پرداخته‌شده است در جدول شماره (۱) تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر آورده شده است.

جدول ۱. پیشینه‌ی پژوهش‌های داخلی و خارجی

پژوهشگر(ان) و سال	نتایج
رفعیان و همکاران ۱۳۹۵	نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مفهوم حق به شهر، شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. از این رو مهم‌ترین مقولات پیش‌روی این مفهوم در خلق فضای شهری باکیفیت شامل حکمرانی شهری؛ شمول اجتماعی؛ تنوع فرهنگی در شهر و آزادی‌های اجتماعی و حق دسترسی به خدمات شهری برای تمامی ساکنان شهر است.
تقوی و همکاران ۱۳۹۷	نتایج حاکی از آن است که مفهوم حکمروایی شایسته در شهرهای معاصر، بر تمامی امور اقتصادی، مدیریتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است و شامل افزایش تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت فعال آن‌ها در تمامی ابعاد شهری می‌شود. شرایطی که می‌توان در بستر آن امیدوار به حل مشکلات و معضلات ساختاری و کارکردی شهرها بود.
متقی و همکاران ۱۳۹۸	حق به شهر عبارت است از شناخت منابع و امکانات موجود و توزیع عادلانه آن در فضای شهر؛ به طوری که مدیریت دموکراتیک شهری بر اساس شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی زمینه مشارکت شهروندان را فراهم آورد تا شهروندان بتوانند آن گونه که شایسته است بر سرنوشت خود نقش داشته باشند و چگونه زیستن را خود طراحی و اجرا کنند؛ زیرا انسان دارای قدرت اختیار و خودآگاهی است و در حقیقت این خودآگاهی و اختیار تشکیل‌دهنده گوهر انسانی اوست.
شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۹۹	نتایج به دست آمده حاکی از این است که حق به شهر و احساس امنیت در بین شهروندان بزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده و بین حق به شهر و احساس امنیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین ناحیه شهری، نوع مسکن و حق به شهر نیز رابطه معناداری وجود دارد.
شریفی و همکاران ۱۳۹۹	نتایج تحقیق بیانگر این است که ابعاد حق به شهر در هر شش بعد مورد مطالعه وضعیت ضعیفی را نشان می‌دهد. با این وجود دو بعد سلامت و فرهنگی وضعیت مطلوبی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در خصوص تأثیر متغیرهای توصیفی پژوهش بر وضعیت حق به شهر می‌توان عنوان نمود که از نظر جنسی حق به شهر در میان مردان، از نظر درآمدی گروه‌های با درآمدهای بالاتر، از نظر شغلی گروه‌های شاغل در بخش رسمی، از نظر سنی دو گروه سنی ۲۵ الی ۴۰ و ۴۰ الی ۶۰ سال و از نظر سواد نیز افراد با سطح سواد پایین‌تر بیشترین میانگین‌های حق به شهر را در میان جامعه آماری پژوهش نشان می‌دهند.
هاروی ۲۰۱۲ <sup>۱</sup>	هاروی در این کتاب ضمن اذعان به این موضوع که حقوق بشر به عنوان موضوعی مرکزی از ابعاد اخلاقی و سیاسی شده است، روند پیگیری آن را به چالش می‌کشد، چراکه این حقوق را فردگرا و مالکیت‌محور می‌داند که برای غلبه بر هژمونی منطق بازار نئولیبرالی و لیبرالی و کنش‌های دولتی و قانونی لیبرالی کاری انجام نمی‌دهد. وی حقوق مالکیت و نرخ سود را عناصری می‌داند که بر تمام حق‌های دیگر سایه افکنده است و از طرف دیگر این زمان تاریخی را فرصتی می‌بیند که در آن حقوق بشر رویکردی جمعی پیدا کرده است و چنین جنجال‌هایی برای حقوق جمعی را منجر به نتایج مهمی می‌داند، مانند حق زنان، کارگران. هاروی در اینجا حق به شهر لغو را که یکی از حقوق جمعی است، منشأ بسیاری از جنبش‌های اجتماعی جهان می‌داند و برای تعریفی موجز برای آن از تعریف شهر رابرت پارک وام می‌گیرد که شهر جهانی را آفریده بشر می‌داند که بشر محکوم به زندگی در آن است و بدون داشتن آگاهی از ماهیت کار، خود را بازآفرینی می‌کند.
کامیلیا ۲۰۱۵ <sup>۲</sup>	در مورد سودمندی سیاسی و چالش‌های رودرروی حق به شهر، بحث می‌کند که از فرمول اولیه‌اش که توسط هنری لوفور بیان شده، حذف شده است. پیشنهادات اصلی نظری در مورد این مفهوم، به طور خلاصه، از عدالت فضایی ادوارد سوا تا شهرهای شورشی دیوید هاروی، به منظور بررسی مهم‌ترین جنبه‌های بحث و شناسایی ارتباط آن با کیفیت دموکراسی صورت می‌گیرد.
ضمنی ۲۰۱۷ <sup>۳</sup>	در این مقاله، نویسنده نمودار حرکت‌هایی را که ناشی از استراتژی‌های نئولیبرالی ایجاد می‌شود را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که آن‌ها در نهایت با یکدیگر متحد شدند تا جنبش توده‌ای را تشکیل دهند که خواستار تغییر سیاسی بنیادی است. محقق ابتدا ریشه‌های اجتماعی و فضایی انقلاب تونس را برای درک پویایی آن توضیح می‌دهد و در مرحله دوم، در حوزه اصلاحات نئولیبرالی در تونس با نگاه کردن به تأثیر این اصلاحات به منظور تشریح ظهور سیاست‌های مخالف در پاسخ به خشونت‌های فزاینده‌ای که تمام سطوح زندگی اقتصادی در این دوره را مشخص می‌کنند را بیان می‌کند.
شاو و همکاران ۲۰۱۸ <sup>۴</sup>	این مقاله با در نظر گرفتن آنچه از طریق اطلاعات شهرنشینی وارد می‌شود، مشکلات و پیامدهای هر "حق اطلاع‌رسانی به شهر" را مورد بررسی قرار می‌دهند که طبق استدلال محققین، گوگل در حال حاضر سهم غالب هرگونه اطلاعات اطلاع‌رسانی به شهر را اشغال می‌کند. هدف این مقاله اعمال نظریه پساسیاسی در کشف راهی برای امکان اطلاعات جغرافیایی ساده‌تر است.

مأخذ: مطالعات کتابخانه‌ای، ۱۳۹۹

<sup>1</sup> Harvey (2012)

<sup>2</sup> Camilla (2015)

<sup>3</sup> Zemni (2017)

<sup>4</sup> Shaw (2018)

## روش‌شناسی

هدف از این تحقیق بررسی و تحلیل نقش مسئله حق‌به‌شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز - می‌باشد. لذا، تحقیق حاضر از نظر بنیان فلسفی در زمره تحقیقات کمی و از لحاظ هدف از نوع کاربردی و با توجه به جهت‌گیری کلی این پژوهش از نوع تحقیقات توسعه‌ای بوده و برای توصیف عینی و واقعی و منظم خصوصیات و ویژگی‌های قلمرو مکانی تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شد. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز از (۱) روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و (۲) پیمایش میدانی استفاده گردید. جامعه آماری در این تحقیق را کلیه شهروندان ساکن در کلان‌شهر تبریز به‌عنوان یکی از متروپلیس‌های ایران تشکیل می‌دهند که این کلان‌شهر طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۵۵۸۶۹۳ نفر جمعیت و ۴۹۷۸۹۸ خانوار بوده است. لذا، جهت تعیین حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران و با احتمال ۰/۷ وجود صفت استفاده شد که ۳۲۳ شهروند در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و در جهت کاستن از خطای نمونه‌گیری ۱۴ نمونه اضافه شد و به‌این ترتیب تعداد نمونه ۳۳۷ نفر از شهروندان تبریزی افزایش یافت. طبق نظر کارشناسان و محققین و اساتید دانشگاهی شهروندان بالای ۲۰ سال به‌عنوان نمونه آماری مورد پرسشگری قرار گرفتند و نحوه نمونه‌برداری از آنان در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت. لذا، با عنایت به این نمونه‌گیری در ادامه نیز با استفاده از فرمول طرفین وسطین تعداد نمونه هرکدام از مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز مشخص گردید (جدول ۲).

جدول ۲. تعداد نمونه تحقیق در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز

مناطق شهری	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه	مناطق شهری	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه	
منطقه ۱	۶۸،۸۹۸	۲۱۸،۶۴۷	۴۵	منطقه ۶	۳۱،۹۱۷	۹۸،۹۱۰	۲۰	
منطقه ۲	۶۲،۳۴۸	۱۹۶،۵۰۷	۴۱	منطقه ۷	۴۹،۴۱۹	۱۵۵،۸۷۲	۳۲	
منطقه ۳	۷۴،۲۶۷	۲۲۹،۴۷۴	۴۸	منطقه ۸	۱۰،۱۹۱	۲۹،۳۸۴	۱۰	
منطقه ۴	۱۰۲،۴۸۱	۳۱۵،۱۸۳	۶۵	منطقه ۹	۲۰۲	۶۳۴	۱۰	
منطقه ۵	۴۰،۲۷۳	۱۲۶،۱۲۴	۲۶	منطقه ۱۰	۵۷،۹۰۲	۱۸۷،۹۵۸	۳۹	
کل نمونه							۳۳۷ نفر از شهروندان ساکن در کلان‌شهر تبریز	

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

جهت بررسی دقیق و پاسخگویی به سؤالات تحقیق، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حق‌به‌شهر و حکمروایی خوب شهری با استفاده از منابع مختلف طی جدول ۳ تدوین شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها توسط پرسشنامه پایایی ابزار تحقیق به‌وسیله ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS مورد بررسی که مقدار پایایی پرسشنامه مقدار ۰/۷۹۱ به‌دست آمد که پایایی قابل قبولی را نشان داد. سپس جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، میانگین، کروسکال‌والیس، رگرسیون و تحلیل مسیر پرداخته شده است.

جدول ۳. شاخص‌ها و مؤلفه‌های حق‌به‌شهر در کلان‌شهر تبریز

شاخص	مؤلفه‌ها
متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران	تنوع گروه‌های سنی حاضر در فضاهای شهری، حضور طبقات اجتماعی-اقتصادی متفاوت در فضاهای مختلف شهر، میزان حضور فعال مردان و زنان در بخش‌های مختلف شهر، وجود ارزش‌های غیراقتصادی در فضا نظیر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی.
پذیرش تفاوت و تضادهای شهری	فرصت بروز ارزش‌های فردی و اقلیتی در فضاهای شهری، تبدیل فعالیت‌های فردی به زندگی‌روزمره در فضای شهری، تبدیل فضاهای شهری به عرصه‌ای برای بازی و فعالیت‌های همگانی، چند عملکردی بودن فضاهای شهری.
برابری فعالیتی در فضای شهری	آزادی در انجام فعالیت در بخش‌های مختلف فضاهای شهری، آزادی در حرکت و مکث در فضاهای شهری، آزادی در حضور و فعالیت در بخش‌های مختلف فضا در ساعات مختلف در فضای شهری.

شاخص	مؤلفه‌ها
آزادی فعالیت در فضای شهری	انجام فعالیت‌های خواسته و ناخواسته در فضاهای شهری، میزان شرکت در فعالیت‌های مدنی، حق دیدن و دیده شدن (تماشای رویدادها و فعالیت‌های جاری در فضاهای شهری)، تعیین زمان ورود و خروج به فضا برای شهروندان از فضاهای شهری.
حق مشارکت شهروندان	میزان دسترسی شهروندان به برنامه‌ریزی طراحی و مدیریت شهری، میزان استفاده مشترک شهروندان از فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی در شهر، میزان مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه شهری.
حق تخصیص (تملک)	حق ساکنان برای دسترسی به انواع نیازهای اساسی و خدمات مختلف شهری، میزان تصرف و استفاده فیزیکی از فضای شهری، میزان محدودیت در استفاده از فضاهای سبز شهری، میزان تملک در استفاده از حمل‌ونقل عمومی شهری، میزان استفاده از انواع کاربری‌های تجاری و خدماتی در فضای شهری
حق به زیبایی و جذابیت محیطی	ارج نهادن به کیفیت و توجه به ارزش‌های معمارانه محیط، شادی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری، توجه به منظر خیابان؛ نظم، انسجام، ادغام، اتصال و وحدت فضایی، ارتباط و حرکت سکانشی بین فضاهای عمومی، استفاده از فرم‌های شهری متباین.
حق به آسایش، امنیت، سامت و محیط انسانی	میزان تأمین آسایش پیاده‌روها در فضاهای مختلف شهری، میزان تأکید بر توانایی‌های احساسی، ذهنی و ساختارهای فرهنگی انسان، میزان کارایی از نظر مصرف انرژی، پاکیزگی و حداقل آلودگی، تنش و اغتشاش در فضاهای شهری، کاهش تراکم ترافیک در خیابان‌های شلوغ شهر، رفاه محیطی و پراکندگی متناسب امکانات و تسهیلات.
حق به تحصیل	میزان تحصیل کودکان بالای ۷ سال، میزان دسترسی بدون تبعیض به فضاهای همگانی و مؤسسات آموزش عالی، مدرسه‌ها و ...، افزایش آگاهی عمومی از طریق آموزش به‌خصوص با توجه به مبارزه علیه تبعیض جنسی، نژادی، بیگانه‌ستیزی و تبعیض.
حق به طبیعت و محیط طبیعی	استحصال منافع محیطی بر اساس دو بستر طبیعی و مصنوع؛ استفاده از نهایت کارایی محیط‌های شهری؛ تنوع‌یستی در شهر و حفاظت محیط طبیعی و ویژگی‌های برجسته آن؛ حفاظت از شرایط آب و هوایی و گونه‌های متنوع پوشش گیاهی.

منبع: منشور اروپایی محافظت از حقوق بشر در شهرها، ۱۹۹۸؛ منشور جهانی حق به شهر، ۲۰۰۱؛ هاروی و مری‌فیلد، ۱۳۹۲؛ Wates, 2006؛ Hamdi, 2004؛ Hamdi, 2010؛ Brynskov, 2014؛ یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷؛ حبیبی و امیری، ۱۳۹۴

جدول ۴.۴. ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری

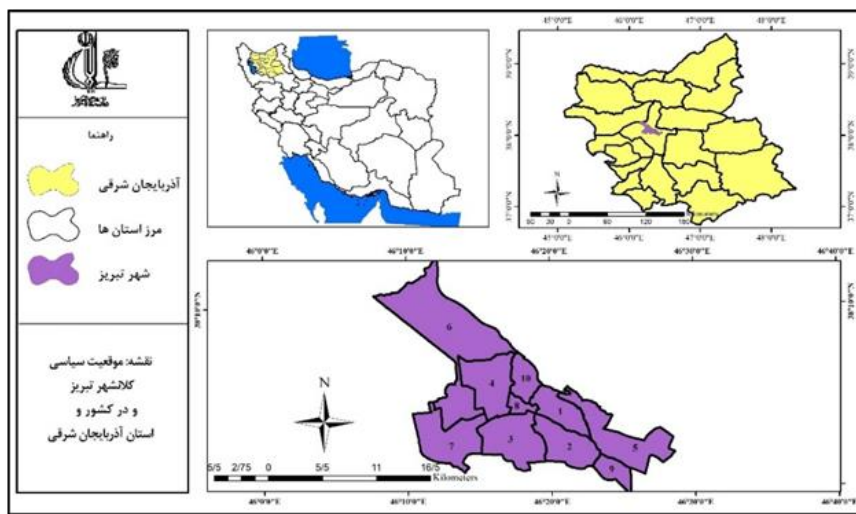
بعد	شاخص	معرف
مخلفه‌های حکمروایی خوب شهری	مشارکت	مشارکت افراد در مسائل عمومی و مسئولیت‌پذیری مدیران شهری، مشارکت در تصمیم‌سازی محله‌ای، مشارکت در اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی، مشارکت در کارهای بدون دستمزد مربوط به محله، حضور فعال در انجمن‌های مدنی.
	قانونمندی	عدم پارتی‌بازی و ... در کارهای اداری مربوط به شهر و محله، تأثیرگذاری گروه‌های صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها، احترام به حقوق افراد (مالکیت زمین و ...)، بی‌طرفی و برابری در برابر قانون، کنترل فساد (اداری، اقتصادی و ...)، پایبندی مدیران به حقوق شهروندان.
	پاسخگویی	رسیدگی به شکایات مردم، تعهدپذیری شورا و شهرداری برای ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده به شهروندان، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات توسط شهرداری و شوراهای اسلامی، ایجاد سازوکاری برای انتقال نیازها و خواسته‌های شهروندان به مسئولان رده‌بالا، تشکیل اجتماعات محلی و هیئت‌های مذهبی یا ورزشی در محله جهت پاسخگویی بهتر به شهروندان
	مسئولیت‌پذیری	میزان شکایت‌های مردمی از شهرداری و شوراهای اسلامی، تلاش مدیران برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت، احساس مسئولیت‌پذیری محلی (فردی و جمعی)، اعتراف به خطا و اشتباه مدیریتی، واگذاری مدیریت به افراد توانمند، میزان مسئولیت‌پذیری مردم.
	عدالت محوری	توزیع برابر و عادلانه امکانات موجود به همه شهروندان، برابری فرصت‌ها (برخوردار از شانس برابر در تمامی زمینه‌ها)، پارتی‌بازی و حق و ناحق کردن، عدالت در اجرای امور محله، دخالت همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محله
	توافق جمعی	میزان موفقیت در فعالیت‌های گروهی، همسویی و همفکری مدیران و اهالی محله، میزان رابطه بین مردم و مدیران، توافق جمعی شهروندان در خصوص موضوعات مهم شهر، توافق جمعی مردم در جهت پایداری اقتصادی
	شفافیت	شفافیت در تصمیم‌گیری در مسائل محله، شفافیت در ارائه عملکرد شورا و شهرداری، اظهارنظر اهالی محلات نسبت به عملکرد مدیران شهری، کنترل عملکرد مدیران شهری (توسط مردم و نهادهای مدنی و ...)، قابلیت دسترسی به اطلاعات در زمینه‌های مختلف
	اثربخشی و کارایی	دائمی و مستمر بودن فعالیت‌های شوراها و شهرداری و سایر ارگان‌های دولتی، بهبود روش‌ها و اقدامات بر اساس دانش جدید، استفاده مناسب از منابع در دسترس بهبود فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، بهبود شیوه و سبک مدیریت شهری.

منبع: افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷؛ پورمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و کمالی، ۱۳۹۵؛ حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶؛

Huhe et al, 2015; Elmenof et al, 2014; Cheshire et al., 2007; Sadashiva, 2008

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

کلان‌شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی با حدود ۲۵۰۵۶ هکتار وسعت در ۳۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی واقع شده است. کلان‌شهر تبریز در گوشه شمال غربی کشور و در امتداد محور بین‌المللی تهران-بازرگان که ایران را به اروپا متصل می‌سازد، قرار گرفته است (شکل ۱). به لحاظ ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی، موقعیت استقرار شهر تبریز و هسته اولیه شکل‌گیری شهر حاکی از مناسب‌ترین و مساعدترین عوامل جغرافیایی بوده که به دلیل همین مواهب و مساعدت‌های جغرافیایی در روند تاریخی توسعه فیزیکی به یکی از بزرگ‌ترین شهرهای کشور تبدیل شده است. در واقع شهر تبریز دریکی از بی‌نظیرترین موقعیت‌های جغرافیایی شکل گرفته که علیرغم بسیاری از مشابهت‌های جغرافیایی در توان‌های سرزمین که باعث جذب جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های انسانی می‌شوند، از پاره‌های توان‌ها و محدودیت‌های آشکار و پنهان نیز بهره‌مند است که در روند تاریخی توسعه شهر اثرگذار گردیده است (اشلقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی کلان‌شهر تبریز در استان و کشور

## یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد، از بین ۳۳۷ شهروند پاسخگوی تحقیق ۸۶/۹ درصد مرد و ۱۳/۱ درصد زن هستند و از بین آن‌ها ۲۶/۴ درصد مجرد و ۷۳/۶ درصد متأهل بودند. از نظر سطح سواد نیز ۲۷ درصد (بیشترین تعداد پاسخگویان) دارای مدرک دیپلم، ۲۱/۷ درصد دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۲۳/۷ درصد دارای مدرک لیسانس و ... بوده‌اند. از نظر سطح درآمد ماهانه نیز ۱۷/۵ درصد درآمدی کمتر از ۱ میلیون تومان در ماه، ۱۱/۳ درصد درآمدی بین ۱ الی ۲ میلیون تومان، ۹/۸ درصد درآمدی بین ۲ الی ۳ میلیون تومان، بیش از ۳۳ درصد بین ۳ الی ۴ میلیون، ۱۶/۶ درصد درآمدی بین ۴ الی ۵ میلیون تومان و ... داشته‌اند. از نظر سنی نیز، بیشترین تعداد پاسخگویان بین سنین ۳۱ الی ۴۰ سال با ۳۰/۳ درصد و سنین ۴۱ الی ۵۰ سال با ۲۶/۴ درصد قرار داشتند. از نظر شغلی نیز بیش از ۴۱ درصد پاسخگویان در مشاغل خدماتی و ۳۱ درصد در مشاغل صنعتی مشغول فعالیت بوده‌اند.

### وضعیت شاخص‌های حق‌به‌شهر

در این قسمت به بررسی وضعیت شاخص‌های حق‌به‌شهر در کلان‌شهر تبریز در مناطق ده‌گانه آن با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای پرداخته شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد از دیدگاه شهروندان پاسخگو تنها شاخص متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران در وضعیت مثبت و مطلوبی از نظر میانگین (۳/۴۴) و آماره تی (۱۰/۷۸) قرار دارد و



سایر شاخص‌های حق به شهر در وضعیت پایین از مطلوبیت عددی ۳ قرار دارند. به طوری که آماره تی شاخص‌های پذیرش تفاوت و تضادهای شهری، برابری فعالیتی در فضای شهری، آزادی فعالیت در فضای شهری، حق مشارکت شهروندان، حق تخصیص (تملک)، حق به زیبایی و جذابیت محیطی، حق به آسایش، امنیت و سلامتی، حق به تحصیل، حق به تعلق داشتن و نمادسازی و حق به طبیعت و محیط طبیعی به صورت منفی ارزیابی شده و از نظر معناداری نیز به غیر از شاخص حق به تحصیل بقیه شاخص‌های در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت که وضعیت شاخص‌های حق به شهر در سطح کلان شهر تبریز در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و نیازمند برنامه‌ریزی و توجه ویژه در برنامه‌های مختلف توسعه شهری می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های حق به شهر در کلان شهر تبریز

شاخص‌های حق به شهر	میانگین	آماره تی	درجه آزادی	معناداری	تفاوت از میانگین	
					پایین	سطح اطمینان ۹۵٪ بالا
متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران	۳/۴۴	۱۰/۷۸	۳۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۴۰	۰/۳۵۹
پذیرش تفاوت و تضادهای شهری	۲/۲۹	-۱۹/۰۱	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۰۷	-۰/۷۸۰
برابری فعالیتی در فضای شهری	۲/۶۱	-۵/۴۸	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۸	-۰/۵۲۸
آزادی فعالیت در فضای شهری	۲/۳۸	-۱۶/۶۶	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۶۱۳	-۰/۶۸۵
حق مشارکت شهروندان	۲/۲۵	-۲۰/۷۴	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۰	-۰/۸۱۱
حق تخصیص (تملک)	۲/۷۲	-۶/۶۶	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۰	-۰/۳۵۰
حق به زیبایی و جذابیت محیطی	۲/۳۶	-۱۴/۱۹	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۰	-۰/۷۱۷
حق به آسایش، امنیت و سلامتی	۲/۱۹	-۱۸/۱۳	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۸۰۱	-۰/۸۸۸
حق به تحصیل	۲/۹۳	-۱/۱۸	۳۳۶	۰/۲۳۸	۰/۰۶۶	-۰/۱۷۶
حق به طبیعت و محیط طبیعی	۲/۲۶	-۲۱/۳۷	۳۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۵	-۰/۸۰۳

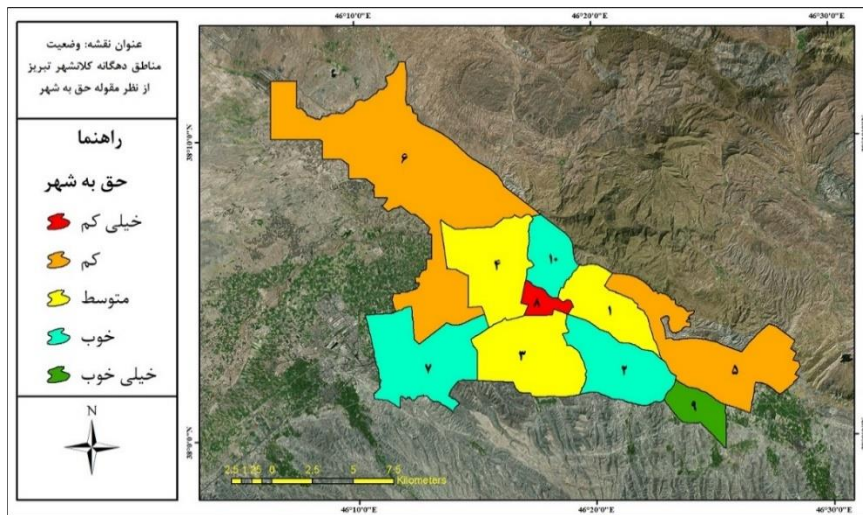
مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

پس از بررسی وضعیت کلی شاخص‌های حق به شهر در کلان شهر تبریز در ادامه نیز به بررسی فضایی مناطق ده‌گانه کلان شهر تبریز از نظر شاخص حق به شهر با استفاده از آزمون‌های میانگین و کروسکال والیس پرداخته شده است. نتایج حاصله نشان داد، منطقه ۹ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۵/۰۵، منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۰/۱۰ و منطقه ۱۰ با میانگین رتبه‌ای ۱۶۸/۳۵ در رتبه‌های اول تا سوم از نظر شاخص‌های حق به شهر قرار دارند و در این مناطق از دیدگاه جامعه آماری و پاسخگویان وضعیت شاخص‌های حق به شهر نسبت به سایر مناطق شهر مطلوب ارزیابی شده است. همین‌طور منطقه ۸ با میانگین رتبه‌ای ۱۱۲/۷۸ و منطقه ۵ با میانگین رتبه‌ای ۱۴۸/۲۱ در رتبه‌های پایین از نظر شاخص‌های حق به شهر قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵. وضعیت مناطق ده‌گانه کلان شهر تبریز از نظر شاخص حق به شهر

شاخص	مناطق شهری	فراوانی	میانگین عددی	میانگین رتبه‌ای	رتبه
حق به شهر	منطقه ۱	۴۵	۱/۵۸	۱۶۱/۹۹	۵
	منطقه ۲	۴۱	۲/۶۱	۱۶۴/۷۸	۴
	منطقه ۳	۴۸	۲/۵۴	۱۵۶/۰۴	۷
	منطقه ۴	۶۵	۲/۵۶	۱۶۰/۱۱	۶
	منطقه ۵	۲۶	۲/۴۶	۱۴۸/۲۱	۹
	منطقه ۶	۲۰	۲/۵۷	۱۵۱/۵۳	۸
	منطقه ۷	۳۲	۲/۶۰	۱۷۰/۱۰	۲
	منطقه ۸	۱۰	۲/۲۲	۱۱۲/۷۸	۱۰
	منطقه ۹	۱۰	۲/۶۹	۱۷۵/۰۵	۱
	منطقه ۱۰	۳۹	۲/۶۰	۱۶۸/۳۵	۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۲. وضعیت مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز بر اساس مقوله حق‌به‌شهر

### وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز در مناطق ده‌گانه آن با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد، در محدوده مورد مطالعه شاخص‌های مشارکت با میانگین ۳/۰۴ و آماره تی ۱/۰۳، قانونمندی با میانگین ۳/۱۳ با آماره تی ۳/۳۷، پاسخگویی با میانگین ۳/۱۱ با آماره تی ۲/۶۲ و عدالت محوری با میانگین ۳/۰۱ و آماره تی ۰/۱۵۰ در وضعیت متوسط به بالایی قرار دارند و سایر شاخص‌های از قبیل؛ مسئولیت‌پذیری با میانگین ۲/۷۹، توافق‌جمعی با میانگین ۲/۹۲، شفافیت با میانگین ۲/۶۴ و اثربخشی و کارایی با میانگین ۲/۶۷ در وضعیت متوسط به پایینی قرار دارند. به‌طور کلی می‌توان گفت که وضعیت حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز از دیدگاه پاسخگویان در وضعیت متوسطی قرار دارد و نیازمند توجه ویژه به آن در برنامه‌های توسعه می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶. وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز

عدد مطلوب آزمون = ۳					شاخص‌های حکمروایی خوب شهری		
سطح اطمینان ۹۵٪ بالا	سطح اطمینان ۹۵٪ پایین	تفاوت از میانگین	معناداری	درجه آزادی	آماره تی	میانگین	
۰/۱۳۲	-۰/۰۴۱	۰/۰۴۵	۰/۳۰۲	۳۳۶	۱/۰۳	۳/۰۴	مشارکت
۰/۲۱۸	۰/۰۵۷	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۳۳۶	۳/۳۷	۳/۱۳	قانونمندی
۰/۲۰۸	۰/۰۲۹	۰/۱۱۹	۰/۰۰۰	۳۳۶	۲/۶۲	۳/۱۱	پاسخگویی
-۰/۱۲۴	-۰/۲۹۲	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۳۳۶	-۴/۸۷	۲/۷۹	مسئولیت‌پذیری
۰/۰۹۴	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۶	۰/۸۸۱	۳۳۶	۰/۱۵۰	۳/۰۱	عدالت محوری
۰/۰۲۸	-۰/۱۶۸	-۰/۰۷۰	۰/۱۶۱	۳۳۶	-۱/۴۰	۲/۹۲	توافق جمعی
-۰/۲۵۸	-۰/۴۵۱	-۰/۳۵۵	۰/۰۰۰	۳۳۶	-۷/۲۶	۲/۶۴	شفافیت
-۰/۲۲۸	-۰/۴۲۹	-۰/۳۲۸	۰/۰۰۰	۳۳۶	-۶/۴۴	۲/۶۷	اثربخشی و کارایی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

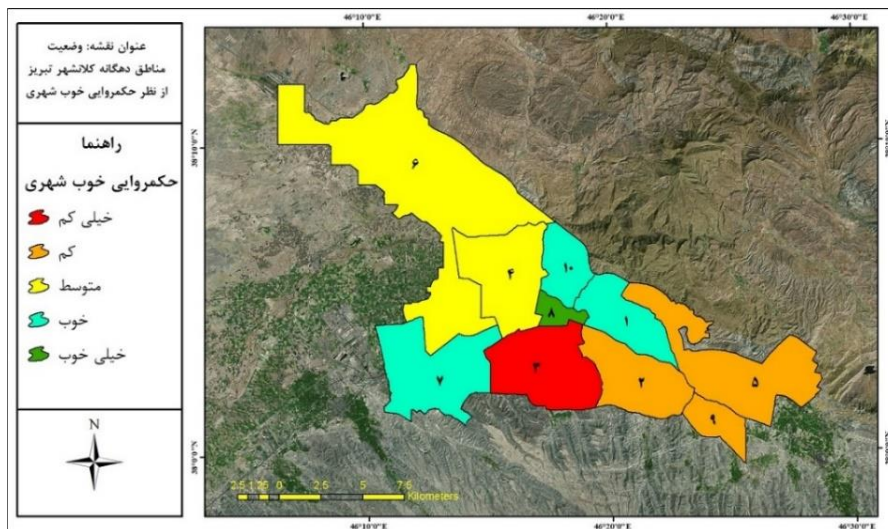
توزیع فضایی حکمروایی خوب شهری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز با استفاده از آزمون‌های میانگین و کروستال-والیس نشان داد، منطقه ۸ با میانگین رتبه‌ای ۲۵۶/۸۰، منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۹۹/۷۳ و منطقه ۱۰ با میانگین رتبه‌ای ۱۹۱/۹۲ در رتبه‌های اول تا سوم از نظر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری کلان‌شهر تبریز قرار دارند و در این مناطق از دیدگاه جامعه آماری و پاسخگویان وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری نسبت به سایر مناطق شهر

مطلوب ارزیابی شده است. همین طور منطقه ۳ با میانگین رتبه‌ای ۱۳۶/۸۱ و منطقه ۹ با میانگین رتبه‌ای ۱۵۲/۴۵ در رتبه‌های پایین از نظر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز قرار دارند (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز از نظر شاخص حکمروایی خوب شهری

رتبه	میانگین رتبه‌ای	میانگین عددی	فراوانی	مناطق شهری	شاخص
۴	۱۸۱/۹۲	۲/۸۵	۴۵	منطقه ۱	حکمروایی خوب شهری
۸	۱۵۴/۵۷	۲/۶۳	۴۱	منطقه ۲	
۱۰	۱۳۶/۸۱	۲/۴۷	۴۸	منطقه ۳	
۶	۱۶۰/۱۵	۲/۶۶	۶۵	منطقه ۴	
۷	۱۵۵/۱۲	۲/۶۳	۲۶	منطقه ۵	
۵	۱۶۲/۵۵	۲/۷۲	۲۰	منطقه ۶	
۲	۱۹۹/۷۳	۳/۰۱	۳۲	منطقه ۷	
۱	۲۵۶/۸۰	۳/۵۳	۱۰	منطقه ۸	
۹	۱۵۲/۴۵	۲/۶۱	۱۰	منطقه ۹	
۳	۱۹۱/۹۲	۲/۹۲	۳۹	منطقه ۱۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۳. وضعیت مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز بر اساس حکمروایی خوب شهری

پس از بررسی وضعیت شاخص‌های حق به شهر و حکمروایی خوب شهری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز در این قسمت به بررسی اثرات و نقش مؤلفه حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز با استفاده از آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر پرداخته شده است. در این راستا، مدل پردازش رگرسیونی اثرات و نقش مؤلفه حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز نشان داد، مقوله حق به شهر به مقدار ۰/۴۰۱ درصد تأثیر مثبت در تحقق حکمروایی خوب شهری در محدوده مورد مطالعه از نظر جامعه آماری دارد (جدول ۸).

جدول ۸. تحلیل واریانس اثرات حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری

معناداری	اشتباه معیار	ضریب تعیین تصحیح شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۷۴۹	۰/۱۲۷	۰/۲۶۱	۰/۴۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

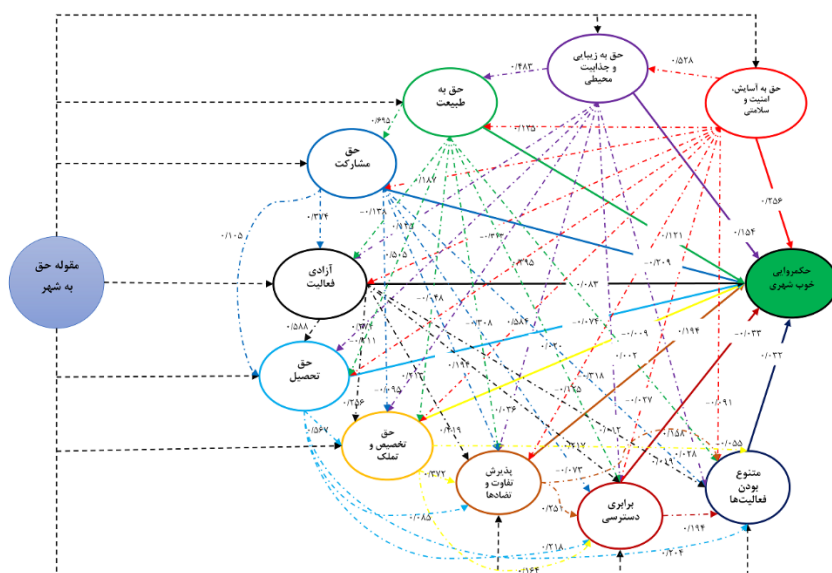
همان طوری که مشخص است نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز برای همه شاخص‌های مقوله حق به شهر معنادار است و لذا، با نگاهی به مقادیر استاندارد BETA روشن است که یک واحد تغییر در انحراف معیار شاخص‌های حق به شهر در کلان‌شهر تبریز مانند: متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران با مقدار ۰/۰۳۰، پذیرش تفاوت و تضادهای شهری با مقدار ۰/۱۶۵، برابری فعالیتی در فضای شهری با مقدار ۰/۰۵۴، آزادی فعالیت در فضای شهری با مقدار ۰/۰۷۰، حق مشارکت شهروندان با مقدار ۰/۱۷۱، حق تخصیص (تملک) با مقدار ۰/۰۰۸، حق به زیبایی و جذابیت محیطی با مقدار ۰/۱۵۷، حق به آسایش، امنیت و سلامتی با مقدار ۰/۲۵۹، حق به تحصیل با مقدار ۰/۰۹۵ و حق به طبیعت و محیط طبیعی با مقدار ۰/۱۲۱ واحد موجب تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان گفت، شاخص‌های پذیرش تفاوت و تضادهای شهری، حق به زیبایی و جذابیت محیطی، حق به آسایش، امنیت و سلامتی و حق به طبیعت و محیط طبیعی بیشترین تأثیر را در تحقق حکمروایی خوب شهری داشته‌اند (جدول ۷).

جدول ۷. ضرایب شدت روابط میان مقوله حق به شهر و تحقق حکمروایی خوب شهری

متغیرها	ضریب غیراستاندارد خطای استاندارد B	ضریب استاندارد BETA	T	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۱/۵۱	۰/۳۱۷	۴/۷۸	۰/۰۰۰
متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران	۰/۰۳۲	۰/۰۶۴	-۰/۴۹۹	۰/۶۱۸
پذیرش تفاوت و تضادهای شهری	۰/۱۹۴	۰/۰۹۰	۲/۱۵	۰/۰۳۲
برابری فعالیتی در فضای شهری	-۰/۰۳۳	۰/۰۳۸	-۰/۱۸۸۰	۰/۳۷۹
آزادی فعالیت در فضای شهری	۰/۰۸۳	۰/۱۲۳	۰/۶۸۰	۰/۴۹۷
حق مشارکت شهروندان	-۰/۲۰۹	۰/۱۰۸	-۱/۹۴	۰/۰۵۳
حق تخصیص (تملک)	-۰/۰۰۹	۰/۰۸۵	-۰/۱۰۵	۰/۹۱۷
حق به زیبایی و جذابیت محیطی	۰/۱۵۵	۰/۰۹۴	۱/۶۵	۰/۱۰۰
حق به آسایش، امنیت و سلامتی	۰/۲۵۶	۰/۱۱۳	۲/۲۷	۰/۰۲۴
حق به تحصیل	-۰/۰۷۴	۰/۰۸۹	-۰/۱۸۲۸	۰/۴۰۸
حق به طبیعت و محیط طبیعی	۰/۱۵۴	۰/۱۱۵	۱/۳۳	۰/۱۸۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹ (متغیر وابسته: حکمروایی خوب شهری)

در ادامه تحقق به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم اثرات و نقش مقوله حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز با استفاده از مدل تحلیل مسیر پرداخته شده است در این مدل شاخص‌های حق به شهر به-عنوان متغیر مستقل و شاخص حکمروایی خوب شهری به‌عنوان متغیر وابسته هستند (شکل ۳).



شکل ۴. مدل تحلیل مسیر اثرات و نقش مؤلفه حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز

برای انجام تحلیل مسیر ابتدا بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل رگرسیون گرفته شد و در بقیه مراحل هر یک از شاخص‌ها که بیشترین ضریب بتا (BETA) را داشته‌اند به‌عنوان متغیر وابسته و سایر عوامل متغیر مستقل فرض شده است. در شکل فوق میزان تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) هر یک از متغیرهای مستقل در متغیر وابسته نشان داده شده است. این مدل نشان می‌دهد که اثر مستقیم شاخص حق به آسایش، امنیت و سلامتی با میزان اثر مستقیم ۰/۲۵۹ در جهت تحقق حکمروایی خوب شهری بیشتر از سایر شاخص‌ها بوده است (جدول ۸).

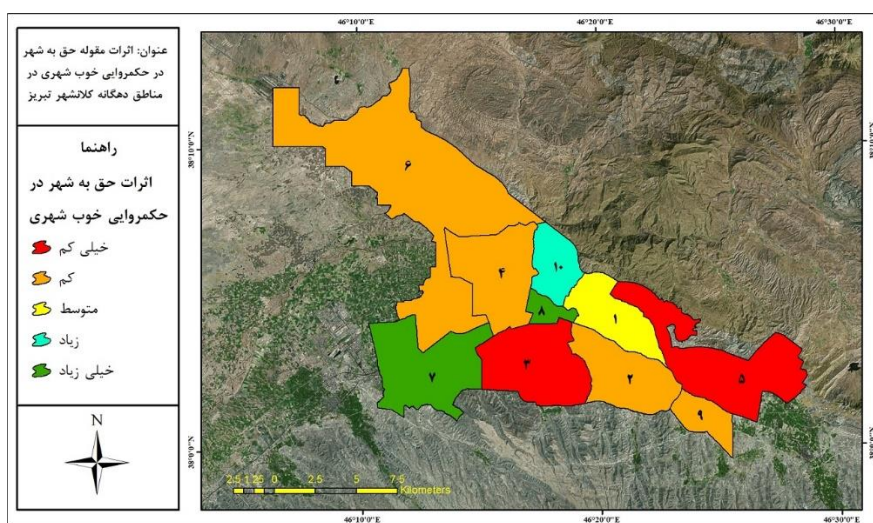
جدول ۸. سنجش میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم مقوله حق به شهر در حکمروایی خوب شهری

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی	درجه تأثیرگذاری
متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران	۰/۰۳۰	-	۰/۰۳۰	۴
پذیرش تفاوت و تضادهای شهری	۰/۱۶۵	۰/۰۷۷	۰/۲۴۲	۱
برابری فعالیت در فضای شهری	-۰/۰۵۴	-۰/۱۴۵	-۰/۱۹۹	۱۰
آزادی فعالیت در فضای شهری	۰/۰۷۰	۰/۰۷۵	۰/۱۴۵	۲
حق مشارکت شهروندان	-۰/۱۷۱	-۰/۰۳۲	-۰/۲۰۳	۹
حق تخصیص (تمکک)	-۰/۰۰۸	۰/۰۷۱	۰/۰۶۳	۳
حق به زیبایی و جذابیت محیطی	۰/۱۵۷	-۰/۵۶۸	-۰/۴۱۱	۸
حق به آسایش، امنیت و سلامتی	۰/۲۵۹	-۰/۰۲۲	۰/۰۳۹	۵
حق به تحصیل	-۰/۰۹۵	۰/۰۱۱۵	-۰/۰۸۳	۷
حق به طبیعت و محیط طبیعی	۰/۱۲۱	-۰/۱۴۵	-۰/۰۲۴	۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های مقوله حق به شهر در کلان‌شهر تبریز، شاخص‌های پذیرش تفاوت و تضادهای شهری در تحقق حکمروایی خوب شهری بیشترین اثر کلی را دارد. چنانچه، فرصت بروز ارزش‌های فردی و اقلیتی در فضاهای شهری، تبدیل فعالیت‌های فردی به زندگی روزمره در فضای شهری، تبدیل فضاهای شهری به عرصه‌ای برای بازی و فعالیت‌های همگانی، چند عملکردی بودن فضاهای شهری و وجود ارزش‌های متنوع در فضا، سکولار بودن فضاهای شهری و جلوگیری از حذف گروه‌های خاص از فضای شهر، برگزاری مراسمات، نمایش‌ها و موسیقی خیابانی، زنده ساختن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی مکان و ... بیشترین تأثیرگذاری کلی را در حکمروایی

خوب شهری در کلان شهر تبریز از دیدگاه شهروندان را دارد. علاوه بر این شاخص آزادی فعالیت در فضای شهری در رده دوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم در تحقق حکمروایی خوب شهری قرار دارد. به طوری که انجام فعالیت‌های خواسته و ناخواسته (سرگرمی‌های ساده‌ای همچون پیاده‌روی) در فضاهای شهری، میزان شرکت در فعالیت‌های مدنی (فعالیت‌هایی نظیر دورهم جمع شدن، پاتوق کردن با دوستان، شرکت در یک رویداد جمعی مثل تماشای تئاتر خیابانی و ...)، حق دیدن و دیده شدن (تماشای رویدادها و فعالیت‌های جاری در فضاهای شهری)، تعیین زمان ورود و خروج به فضا برای شهروندان از فضاهای شهری و ... در مرتبه دوم تأثیرگذاری قرار دارد. همین‌طور شاخص‌های برابری فعالیتی در فضای شهری و حق مشارکت شهروندان کمترین تأثیرگذاری را در این زمینه از دیدگاه شهروندان پاسخگو داشته‌اند. همین‌طور، در ادامه با استفاده از رگرسیون وزنی جغرافیایی در نرم‌افزار GIS به تأثیرگذاری مقوله حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز پرداخته‌شده و نتایج حاصله نشان می‌دهد که مناطق ۸ و ۷ بیشترین تأثیرپذیری را در این زمینه داشته‌اند و مناطق ۵ و ۳ نیز در سطح پایین تأثیرپذیری قرار گرفته‌اند (شکل ۵).



شکل ۵. تأثیرگذاری مقوله حق به شهر در حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز بر اساس رگرسیون وزنی جغرافیایی

## نتیجه‌گیری

برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ مفهوم حق به شهر توسط هنری لوفور طرح شد که پارادایمی نظری و عملی است که از پتانسیل لازم جهت ارزیابی رادیکال سیاست‌های شهری برخوردار است. این مفهوم چارچوبی برای بحث در مورد حقوق و مسئولیت‌های مدنی را فراهم می‌آورد. حق به شهر ابزار لازم برای تغییرات شهری، خلق شهری و تحقق حکمروایی خوب شهری است که تمامی ساکنانش، شهروند محسوب می‌شوند. دستیابی به همه حقوق شهروندی مستلزم وجود مدیریت شهری منسجم و قوی است که در این راستا رعایت مقوله حق به شهر می‌تواند، زمینه تحقق حکمروایی خوب شهری در مناطق و محلات شهری را فراهم آورد. حکمروایی خوب شهری نیز، شیوه و فرایند اداره امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی به‌منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زیست-پذیری بالا و توسعه پایدار شهری است. لذا با توجه به اهمیت این موضوع، این تحقیق باهدف بررسی نقش و اثرات مقوله حق به شهر در تحقق حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز پرداخته‌شده است. نتایج حاصله در زمینه وضعیت شاخص‌های حق به شهر در سطح کلان‌شهر تبریز نشان داد، شاخص "متنوع بودن فعالیت‌ها و کاربران" در وضعیت مثبت و مطلوبی قرار دارد و سایر شاخص‌های حق به شهر پایین‌تر از مطلوبیت عددی ۳ از دیدگاه شهروندان قرار دارند. همین‌طور از نظر توزیع فضایی مقوله حق به شهر در سطح مناطق ده‌گانه شهری در سطح کلان‌شهر تبریز، منطقه ۹ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۵/۰۵، منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۷۰/۱۰ و منطقه ۱۰ با میانگین رتبه‌ای ۱۶۸/۳۵ در رتبه‌های

اول تا سوم از نظر شاخص‌های حق به شهر قرار دارند. علاوه بر این، نتایج حاصله در زمینه وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز نشان داد، شاخص‌های مشارکت با میانگین ۳/۰۴ و آماره تی ۱/۰۳، قانونمندی با میانگین ۳/۱۳ با آماره تی ۳/۳۷، پاسخگویی با میانگین ۳/۱۱ با آماره تی ۲/۶۲ و عدالت محوری با میانگین ۳/۰۱ و آماره تی ۰/۱۵۰ در وضعیت متوسط به بالایی قرار گرفته‌اند و سایر شاخص‌های مورد مطالعه در وضعیت متوسط به پایینی از دیدگاه جامعه آماری قرار دارند. لذا، از نظر توزیع فضایی منطقه‌ای شاخص حکمروایی خوب شهری در سطح کلان‌شهر تبریز نیز، منطقه ۸ با میانگین رتبه‌ای ۲۵۶/۸۰، منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۹۹/۷۳ و منطقه ۱۰ با میانگین رتبه‌ای ۱۹۱/۹۲ در رتبه‌های اول تا سوم از نظر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری کلان‌شهر تبریز قرار گرفته‌اند. همچنین بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم رعایت حقوق شهروندی و مقوله حق به شهر با استفاده از آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله نشان داد، از بین شاخص‌های مقوله حق به شهر در کلان‌شهر تبریز، شاخص‌های پذیرش تفاوت و تضادهای شهری با مقدار ۰/۲۴۲ بیشترین اثر کلی را در تحقق حکمروایی خوب شهری داشته است. چنانچه، فرصت بروز ارزش‌های فردی و اقلیتی در فضاهای شهری، تبدیل فعالیت‌های فردی به زندگی روزمره در فضای شهری، تبدیل فضاهای شهری به عرصه‌ای برای بازی و فعالیت‌های همگانی، چند عملکردی بودن فضاهای شهری و وجود ارزش‌های متنوع در فضا، سکولار بودن فضاهای شهری و جلوگیری از حذف گروه‌های خاص از فضای شهر، برگزاری مراسمات، نمایش‌ها و موسیقی خیابانی، زنده ساختن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی مکان و ... اثرات متنوعی در افزایش کیفیت مدیریت شهری و به عبارتی حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهر تبریز دارند. علاوه بر این شاخص آزادی فعالیت در فضای شهری با مقدار ۰/۱۴۵ در رده دوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم در تحقق حکمروایی خوب شهری در محدوده مورد مطالعه قرار دارد. به طوری که انجام فعالیت‌های خواسته و ناخواسته (سرگرمی‌های ساده‌ای همچون پیاده‌روی) در فضاهای شهری، میزان شرکت در فعالیت‌های مدنی (فعالیت‌هایی نظیر دورهم جمع شدن، پاتوق کردن با دوستان، شرکت در یک رویداد جمعی مثل تماشای تئاتر خیابانی و ...)، حق دیدن و دیده شدن (تماشای رویدادها و فعالیت‌های جاری در فضاهای شهری)، تعیین زمان ورود و خروج به فضا برای شهروندان از فضاهای شهری و ... اهمیت بسیار زیادی در بهبود اهداف حکمروایی خوب شهری دارد. همین‌طور شاخص‌های برابری فعالیت در فضای شهری و حق مشارکت شهروندان کمترین تأثیرگذاری را دارند؛ بنابراین با توجه به نتایج حاصل از تحقیق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات رفیعیان و همکاران ۱۳۹۵؛ تقوی و همکاران ۱۳۹۷؛ متقی و همکاران ۱۳۹۸؛ شاه‌آبادی و همکاران ۱۳۹۹؛ هاروی ۲۰۱۲؛ کامیلیا ۲۰۱۵؛ ضمنی ۲۰۱۷ و ... در زمینه اثرات گذاری تئوری حق به شهر در مسائل مختلف شهری در یک راستا قرار دارد. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود، (۱) توجه ویژه به حق مشارکت شهروندان در مسائل مختلف شهری به ویژه در مناطق ۳، ۲ و ۹ که زمینه را برای تحقق حکمروایی خوب شهری فراهم می‌آورد. (۲) بسترسازی برای آزادی شهروندان در حضور و فعالیت در بخش‌های مختلف فضا در ساعات مختلف در فضای شهری. (۳) استحصال منافع محیطی موجود در سطح کلان‌شهر بر اساس دو بستر طبیعی و مصنوعی. (۴) افزایش زمینه دسترسی همگانی شهروندان به ویژه در مناطق ۸، ۶ و ۵ به فضاهای همگانی و مؤسسات آموزش عالی، مدرسه‌ها و مراکزهای فرهنگی بدون تبعیض نژادی و جنسیتی. (۵) توجه به منظر خیابان؛ نظم، انسجام، ادغام، اتصال و وحدت فضایی آن‌ها در برنامه‌های شهری و حمل‌ونقل.

<sup>1</sup> Harvey (2012)

<sup>2</sup> Camilla (2015)

<sup>3</sup> Zemni (2017)

## منابع

- پوراحمد، احمد؛ پیری، اسماعیل، محمدی، یادگار، پارسا، شهرام و حیدری، سامان. (۱۳۹۷). حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری مورد مطالعه: شهر مریوان. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*. ۶ (۴)، ۸۱-۹۸.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ حسین‌زاده دلیر، کریم و پیری، عیسی. (۱۳۸۹). حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی مطالعه موردی: کلان شهر تبریز. *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*. ۲ (۱)، ۳۵-۵۲.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ عزیزی، داود و یزدانیان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی نقش نظریه حق‌به‌شهر در تولید بازتولید فضای شهری. *نشریه هفت شهر*. ۵۰-۴۹، ۸۸-۹۸.
- تقوی، شیوا و حبیبی، میترا. (۱۳۹۷). کندوکاوی دز نظام حکمروایی شایسته در راستای ارتقا حق‌به‌شهر. *مجله علمی تخصصی ایران*. ۳ (۳)، ۳۱-۵۰.
- حبیبی، سید محسن و امیری، مریم. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد. *نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*. ۵ (۲)، ۹-۳۰.
- حکمت‌نیا، حسن؛ ملکی، محمد، موسوی، میرنحیف و افشانی، علیرضا. (۱۳۹۶). سنجش میزان تحقق پذیری حکمروایی خوب روستایی در ایران مطالعه موردی: شهر ایلام. *پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*. ۴۹ (۲)، ۶۰۷-۶۱۹.
- رفیعیان، مجتبی و الوندی‌پور، نینا. (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی اندیشه حق‌به‌شهر، در جستجوی مدلی مفهومی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ۱۶ (۲)، ۲۵-۴۷.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ عظیمی آملی، جلال، پورطاهری، مهدی و احمدی پور، زهرا. (۱۳۹۱). ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۸ (۲)، ۱-۲۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ بنیاد، لیلی و غلامی، میثم. (۱۳۹۹). بررسی رابطه حق‌به‌شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان یزد. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. ۱۰ (۳۹)، ۱۰۹-۱۲۴.
- سرور، رحیم؛ عشقی چهاربرج، علی و علوی، سعیده. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در بهره‌مندی از خدمات عمومی شهر، مطالعه موردی: حوزه‌های ۱۶ گانه شهر اردبیل. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*. ۸ (۱۶)، ۲۲-۳۷.
- سروری، هادی و ماجدی، حمید. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر مدیریت فضای شهری. *نشریه هویت شهر*. ۲۳ (۹)، ۱۷-۲۶.
- شریفی، امیر؛ کوزه‌گر کالجی، فنی، زهره و ایراندوست، کیومرث. (۱۳۹۹). حق‌به‌شهر در سکونتگاه‌های خودانگیخته مطالعه موردی: شهر سنندج، ناحیه منفصل شهری نایسر. *فصلنامه شهر پایدار*. ۳ (۱)، ۵۵-۶۹.
- قربانی، سپهر آرش و جان‌پور، محسن. (۱۳۹۶). تبیین جایگاه عفاف و حجاب از منظر حقوق شهروندی، *همایش ملی نگرش علمی کاربردی به عفاف و حجاب*. ۱-۲۶.
- متقی، افشین؛ طلا، حسین و قربانی‌سپهر، آرش. (۱۳۹۸). پردازش فلسفی- مفهومی حق‌به‌شهر از منظر مدیریت شهری. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*. ۵۲ (۴)، ۱۲۵۵-۱۲۳۵.
- محمدی، جمال و کمالی، اسماعیل. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در راستای استراتژی توسعه شهری مورد شناسی: محدوده بافت فرسوده شهر کرمان. *نشریه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*. ۲۱، ۱۵۳-۱۷۰.
- منشور اروپایی محافظت از حقوق بشر در شهرها، ۱۹۹۸؛ <http://www.sepehredalat.ir/NewsDetails.aspx?id=1660>
- منشور جهانی حق‌به‌شهر. (۲۰۰۱). *World charter on the right to the city*. <https://anthropology.ir/article/27004.html>
- موحد، علی؛ کامانرودی، موسی، ساسان‌پور، فرزانه و قاسمی، سجاد. (۱۳۹۵). بررسی حکمروایی خوب شهری در محله‌های شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهرداری تهران). *فصلنامه برنامه‌ریزی شهری*. ۲ (۷)، ۱۴۷-۱۷۶.
- نوبری، نازک و رحیمی، محمد. (۱۳۸۹). حکمرانی خوب شهری، یک ضرورت تردیدناپذیر، گروه پژوهشی حکمرانی و مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، *دانش شهر*، شماره ۱۱.
- هاروی و مری‌فیلد. (۱۳۹۲). حق به شهر ریشه‌های شهری بحران‌های مالی. *ترجمه خسرو کلانتری چاپ دوم*. تهران: انتشارات مهریستا.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). *از حق‌به‌شهر تا شورش‌های شهری*. ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت. تهران: نشر آگاه.
- یغفوری، حسین و کاشفی دوست، دیمین. (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر). *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. ۹ (۳۵)، ۵۷-۶۸.



- Brynskov. M. (2014). URBAN interaction design: towards city making Germany. Schloss Neuhausen. Cheshire. L., Higgins. V., and Lawrence. G. (2007). Interoduction: governing the rural. Rural Governance: International Perspectives. New York: Routledge
- Elmenofi. G.E.I., Bilali. H., Berjan. S., (2014). Governance of rural development in Egypt. Journal of Annals of Agricultural Science, 59 (2), 285–296.
- Hamdi. N. (2004). small change. London; Earthscan.
- Hamdi. N. (2010). the placemakers guide to building community. London; Routledge.
- Harvey. D., Mary Field. A. (2012). the Right to the City: Urban Origins of Financial Crises. Translation by Khosrow Kalantari, Tehran: Mehr Vista Publications, (In Persian).
- Huhe. N., Chen. J., Tanga. M. (2015). Social trust and grassroots governance in rural China. Journal of Social Science Research, 53, 351–363.
- Kumar Vaddiraju. A. (2016). Urban Governance and Right to the City. Economic and Political Weekly, 1(2), 19- 24.
- Morange. M., Spire. A. (2015). A Right to the City in the Global South? Social movement / postcolonial / Lefebvre / right to the city / urban citizenship / Africa / Global South / Latin America / Brazil.
- Moravansky. Á., Schmid, C. & Stanek. L (Eds). (2014). Urban Revolution Now: Henri Lefebvre in social research and architecture. Ash gate Publishing, Ltd.
- Panel. S., Bridonneau. M. (2017). (Re) making politics in a new urban Ethiopia: an empirical reading of the right to the city in Addis Ababa's condominiums. Journal of Eastern African Studies, 11 (1), 24-45.
- Purcell. M., (2014). possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city. Journal of Urban Affairs, 36 (1) ,141-154.
- Sadashiva. M. (2008). Effects of civil society on urban planning and governance in Meysore, India, Doctoral thesis, Technical university of Dortmund
- Shaw. J.m and Graham. M. (2018). an Informational Right to the City? Code, Content, Control, and the Urbanization of Information, Antipode, 1 (49) 4, 907–927.
- Tavolari. B. (2020). The Right to the City: conceptual transformations and urban struggles, Rev. Direito Práx. 11 (1), 1-12.
- Wates. N. (2006). The community planning handbook how people can shape their cities towns and villages in any part of the world. UK. Earth-scan.
- Wates. N. (2008). The community planning event manual how to use collaborative planning and urban design events TO improve your environ ment UK & USA. Earthscan
- Zemni. S., (2017). the Tunisian Revolution: Neoliberalism, Urban Contentious Politics and the Right to the City. International Journal of Urban and Regional Research, Doi:10.1111/1468-2427.12384 70 – 82.